

بوی پیراهن بر یعقوب کنعان بوده

یوسف صدیق را خمخوار زندان بوده

(تو بیابل بوده همرا ز اسرائیلیان)

(تو بقارس بوده انباز اسمائیلیان)

ای فروغ آفرینش آبت فضل خدا

بر تو مایل خاطر مردم چو ک پر کهربا

یکره از راه کرم در پیش معتناقان بیا

خیر مقدم جذا املا و سهلا مرجبار

(بزم ما را رشک باغ برلن و پاریس کن)

(در هنر سر آمد آفاق چون انگیس کن)

(بنیه دارد)

« از خاطرات اسلاهیول »

از چندی باینطرف دیده میشود که برخی از جوانان

منور الفکر ایران که معتقد اصول قدیمه هستند لازم میدانند که

در عالم ادبیات ایران و مخصوصا در اسلوب شعر و شاعری و اصول

قواعد عروضیه انقلاب و تجدیدی داخل شود .

این فکر اصلاح طلبی و تغییر اصول کهنه قولی است که

جنگی بر اند زبرا منکر تغییر اوضاع کهنه و اصلاح معایب و تبدیل

نوائس بکمالات سینا بکسی ماند که در مقابل مواکب هوائی و نواقیل بخاری

هنوز معتقد بسواری خرنك و عمر لوك باعد . و هیچکس نمیتواند ادعا نماید که ادبیات مرده ایران محتاج بتجدید حیات نیست بلی مترقیم که ادبیات ایران عموماً دارای اساس متین و اصول وقواعد عالی بوده و بر ادبیات هالب ملك برتری داشته است اما امروز بواسطه انهداس قواعد اصلیه و اختلاط سلق مختلفه و تداخل اسالیب متنوعه میتوان گفت يك ادبیات ثابت و منظمی در حوزه معارف ایران اداره نمیشود و ناچار باید علمای قوم و دانشمندان علمکک که طرفدار ترقی معارف و تجدد اوضاع ادبیات ایران هستند بکسرت جدی صرف این اصلاحات بکنند و روحی را که در ادبیات ایران سریان داشته است تازه کرده و با يك تقویت مادی و معنوی که ملایم مناسبات امروزه باشد باینکالبد نائلوان بدمند اما در باب شعر و هاعری که يك قسمت از ادبیات شمرده میشود من نیز با ان افکار جوان موافق و هم عقیده ام که تنقیح و اصلاح لازم است اما در فکر و معنی که در صورت و ترکیب :

زیرا اصول و قواعد عروض ایران در نهایت متافات اجب و بزعم من محتاج بتغییر اساسی نیست .

هنده میشود که بعضی میگویند دامنه عروض ایران اقدر عریض و ازاد نیست که متکلم بتواند افکار خود را انطورکه میخواهد بصورت شعر در آورد . و مقصود خود را اما لساید من ققط این عقیده را هنوز نمیتوانم تصدیق نمایم زیرا انانکه بقاوسی

سخن میرانند اگر از روی تحقیق و انصاف در آثار بزرگان قوم و اساتید طایفه مطالعه و پژوهش کنند بخوبی خواهند در یافت که برای جولان سخن میدان وسیع تر و پر دامنه تر از میدان شعر پارسی نیست و هیچ مضمونی هر چه مشکل تر هم باشد دیده نمی شود که نتوان آنرا در اشعار پارسی بیان کرد .

اقسام محور و انواع اوزان که در عروض پارسی وضع شده است بسختگویان پارسی هر کونه ازادی و اختیار میدهد که ابداع افکار خود را بر صورتی که میخواهند در آورند و بر لباسی که میخواهند جلوه دهند :

غزل - قصیده - رباعی - قطعه - ترکیب بند - ترجیع بند - مسطر - مربع - خمس - سدس - و اقسام آن با اوزان و محور خفیف و طویل و مطبوع و نامطبوع که هر یک بجمع گنجه منعص می شود
 آیا برای بیان مقصود کافی نیست ؟
 انواع متنیات که چندین بحر را شامل و هر بیتش دارای قافیه مستقلی است آیا برای نویسندگان هیچ اشکالی بانی گذاشته است .

وجد انبات خواجه حافظ شیرازی . نصابح و مباحثات شیخ سعدی شیرازی . ناز مخکوثی و افسانه سرائی حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی . الهیات و فلسفیات حکیم سنائی غزنوی . اشراقات و سیروسلوك شیخ اوحدالدین کرمانی . مقالات و مفاوضات حکیم

نظامی کنجوی . خمریات و طبیعیات حکیم منوچهری دامغانی رباعیات
 حکیم عمر خیام نیشابوری . تشبیهات و مواظظ مولانا جلال
 الدین . بلخی شکایات و معانیات امیر مسعود سعد سلمان .
 مناظرات و مخاطبات حکیم ناصر خسرو هروی . و مخصوصاً قصاید
 اودر بحر های نامطبوع . مفاخرات و تنزهات حکیم خاقانی هروی .
 مناظرات جمال‌الدین و کمال‌الدین اصفهانی . تغزلات و حماسات رودی
 بخارائی . وانوری ایوردی . و ظهیر قاریانی . و ادیب صابر ترمذی . مدایح
 هنصری و قرخی و عسجدی و امیر معزی . رسالات و مشنوبات مولانا
 جامی . افادات و بدایع معتمد الدوله نشاط اصفهانی . و فتحعلیخان ملک
 الشعراء صبای کاشانی و وصال شیرازی و هاتق اصفهانی منادات و مدایح
 حکیم قالی هیرازی و سروش اصفهانی . غزلیات بجز و عاشق اصفهانی
 آثار محمود خان ملک الشعراء کاشانی . و فتح‌الله خان هیدائی و ادیب
 الممالک فراهانی و هزار دیگر از این قبیل ایاً نمیتواند اسلوب سخن
 گوئی را برای ادبا و سخن‌مندان اسان نماید .

کدام مضمون لطیف و خاطره بدیع بوده است که هر يك از
 این بزرگان نتوانسته اند بخوبی اسان نمایند و بفهم هنوندگان
 نزدیک کنند ؟

برای پیدا کردن حس غیرت و عجباعت و مردانگی کدام بیان
 مؤثر تر از شاهنامه فردوسی میتوان سراغ داد . برای تبلیح عرق
 محبت و تشریح اثرات عشق و سودا کدام سخن همین تر از خمسه

نظامی و غزلیات سعدی میتوان آورد ، برای تنبیه و ارشاد بیخبران و
 مهوت پرستان کدام کلام جامع تر و مفید تر از مثنوی مولوی
 و غزلیات خواجه حافظ و بوستان همیخ سعدی و بیانات حکیم سنائی
 و تصاید حکیم ناصر خسرو علوی و رباعیات حکیم خیام نیشابوری
 میتوان پیدا کرد . مگر این جماعت جز در همین محور و اوزان
 عروض پارسی سخن گفته بیا برای بیان مقصود دچار تکلف
 و زحمتی شده اند ؟

اگر با این عرض بیدان عروض و وسعت جولانگاه سخن باز
 بعضی در سخن گفتن عاجز باشند و تغییر و توسعه برای محور و قوافی اشعار
 پارسی در نظر گیرند نمیدانم آن تغییر و توسعه از چه قیبل و درجه
 زمینه خواهد بود مگر اینکه بکباره قید و وزن و قافیه را از میان برداشته
 و گویان خود را از دست روی و ردیف رها کنیم و البته انوقت بر
 چنین سخنی اطلاق هر نمیتوان کرد و باز نکته در جای دیگر است
 که اگر کسی با این سه و انبساط میدان عروض نتواند مقصود
 خود را بصورت شعر ادا نماید هر اینه از بیان آن بی قید قوافی
 و اوزان نیز عاجز خواهد بود که همه حرف در قدرت کلام است
 نه قدرت اسباب .

بنابر این من بدون اینکه طرفدار اصول عتیقه باشم و رسم محاذ فقه
 کاری و کهنه پرستی را رعایت کنم فی الحقیقه برای تغییر صورت
 و ترکیب شعر و برهم زدن اساس عروض پارسی هیچ ضرورت نمی

بینم و چنانکه گفتم بیبستر معتقد باصلاح افکار و تجدید معانی هستم و با عقیده اشخاصی موافقه دارم که بگویند باید طرز سخن گفتن را عوض کرد و حقایق را در يك قوالب ساده تر و با يك بیانات روشن تر که ملایم اسلوب قصه جدید ادبی معاصر باشد ظاهر نمود .

انان را هم که طرفدار پرهم ذهن اساس عروض و دریدن حساب قید و قاعده هستند رد نمیکنم شاید دلایلی که ایشان برای ترحیح عقیده خود دارند قوی تر باشد و الغائب علی حجت .
ادیب السلطنه

مقاله فوق را موقع مهاجرت در اسلامبول به مناسبت پیش آمد يك سلسله مباحثات امیه با ادیبی ترك آقای (ادیب السلطنه) رئیس انجمن ادبی ایران نگاشته و مکراراً طبع و انتشار شده است .

این اوقات پس از آنکه در انجمن ادبی ایران قرائت گردید برای اینک تمام ادبای دور و نزدیک از مطالعه و استفادة آن بهره مند شوند ما مجدداً بطبع و نشر مبادرت کردیم . البته قارئین عظام از دور و نزدیک مطالعه و دقت را نسبت همواره و نکات حقیقت امیر ان که در عالم تجرد ادبیات مقام شایخ و ربه اعلی را حائز است همواره منظور و معمول خواهند داشت .

(وحید)